بررسی تاثیر سکونت گاه های غیر رسمی بر امنیت اجتماعی

احمد اسدی[۱]، محمد کمیلی[۲]
ahmad.assadi@yahoo.com

چکیده

امنیت به معنای احساس آرامش و دوری از هرگونه ترس و رعب تعریف می‌شود که دارای انواع مختلفی بوده و از دیدگاه سنتی و مدرن مورد ارزیابی قرار می گیرد. امنیت اجتماعی از طرق مختلف مورد هجمه قرار گرفته و تهدید می شود که از جمله مهمترین این تهدیدات گسترش سکونت‌گاه‌های غیر رسمی می باشد. گسترش سکونت گاه های غیر رسمی با گسترش آسیب های اجتماعی نظیر فحشا، اعتیاد، سرقت و... رابطه مستقیم دارد. افزایش این سکونت گاه ها نیز تابعی از فقر، افزایش قیمت اجاره مسکن و مسکن، نرخ بیکاری و... می باشد. سکونت گاه های غیر رسمی، بدلیل عدم ایمنی در ساخت همیشه تهدیدی برای ساکنین خود محسوب می گردند. افراد ساکن در این سکونت گاه ها ،هم خود در معرض انواع نا امنی ها قرار دارند و هم تهدیدی برای جامعه محسوب می‌گردند. این افراد به دلیل انزوای اجتماعی، عقده های درونی، فقر مالی وضعف فرهنگی در درون خود به باز تولید جرم و انواع مفاسد اجتماعی می پردازند. وجود این سکونت گاه ها در حال حاضر محل چالش اصلی توسعه پایدار و ثبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کلانشهر های کشور محسوب می گردد.

سوالات بنیادی این تحقیق از این قرار است: مولفه های مشترک باز تولید ناامنی اجتماعی و سکونت گاه های غیر رسمی تا چه حد بر هم منطبقند؟ افزایش نابرابری و جدایی گزینی اجتماعی تا چه میزان به رشد سکونت گاه های غیر رسمی و نابرابری اجتماعی منجر می شود؟و رشد سکونت گاه های غیر رسمی چه تاثیری بر امنیت اجتماعی دارد؟

با استفاده از روش کتابخانه‌ای و برداشت های ناشی از مشاهده و بررسی تعدادی از این سکونت گاه‌ها سعی شده که به سوالا ت فوق پاسخ داده شود.

واژه های کلیدی: امنیت اجتماعی- سکونت گاه غیر رسمی- نابرابری اجتماعی

---

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد شهرری
[۲] دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

۱-مقدمه:

مدیریت شهری فضاهای ناامن را خلق میکند ولی مردم از نیروهای انتظامی توقع ایجاد امنیت را دارند. در حالیکه امنیت شهری وابسته به طراحی شهری و سایر مولفه ها و عناصر شهری مانند طرح های شهری ،نور پردازی شهر،اقتصاد شهر و..... می باشد که بی تفاوتی نسبت به هر یک از آنها می تواند به نا امنی شهری منجر شود . مناطقی که از نظر تا سیسات شهری ضعیف می باشند بیشترین پتانسل را جهت پرورش افراد بزهکار و مجرم دارا هستند.

نتایجی که از پژوهش های متعدد و به صورت یکنواخت در مورد جوامع شهری صورت گرفته است نشان داده که نواحی فقیر نشین شهر، جایی که بی سازمانهای اجتماعی بیداد می کند محل و ماوای اصلی بزهکاری ها و کجروی های اجتماعی است ، چون تعداد مردم که در آنجا زندگی می کنند،بسیار زیاد و امکانات آموزشی،اقتصادی و اجتماعی محدود است،در نتیجه گذران زندگی از طریق صحیح و درست برایشان امکان پذیر نیست.[۱۶]

افراد فقیر شهر ها ، در محله های مختلف شهری پراکنده اند اما بیشترین تمرکز فقر در سکونت گاه های غیر رسمی که معمولا در حواشی شهرها بوجود می آیند مشاهده می شود. هر چند نمی توان تمامی ساکنین این سکونت گاه ها را فقیر دانست. فقر یک محصول طبیعی نبوده و منبعث از ساختار قدرت می باشد . فلسفه وجودی بعضی نظامات حکومتی موجود بر فقر استوار است و فقر در آنها باز تولید می گردد. قطبی شدن شهر ها و بوجود آمدن سکونت گاه های غیر رسمی مولود ساختار غلط اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی می باشد.تجمع افراد فقیر در سکونت گاه های غیر رسمی، در حقیقت تجمع رانده شدگان اجتماع بوده که بخاطر بغض مو جود دائما جامعه را به عناوین مختلف مورد تهدید قرار می دهند.

شهر ها به دلیل وجود فرصت های اشتغال، مهاجران روستاها و سایر سکونت گاه های کوچکتر از خود را جذب می کنند . همین فراوانی تقاضا یرای شهرنشین شدن از سوی نو رسیدگان ظرفیت پذیرش اقتصادی-اجتماعی شهرها را لبریز می کند و باعث ایجاد نوعی جدید از نابرابری در داخل فضای شهری می گردد.[۵]از آثار مهم نابرابری اجتماعی بوجود آمده شکل گیری جدایی گزینی فضایی توسط این مهاجران می باشد.

منشا جدایی گزینی های فضایی در کل به سه عرصه مختلف و مرتبط بر می گردد:

۱-نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی (سازو کار تولید،توزیع و روابط طبقاتی ناشی از آن، به طور خاص، جدایی گزینی فضایی در عرصه تولید ناشی از تقسیم کار فنی و گروه بندی های توزیعی)؛

۲-دولت و نظم و ساختارسیاسی(میزان دخالت دولت و مدیران شهری در توزیع فضا و منابع شهری و کنترل های رسمی بر نابرابری های طبقاتی،جنسی،نژادی،قومی،مذهبی و.....)؛

۳-عرصه زیستی- اجتماعی (نظم زیستی و اظهاری ،نیاز به هویت،خودگردانی ،نیاز به قلمرو،امنیت هستی شناختی،مراقبت از خو یشان،گروه بندی های جنسی،قومی،نژادی، منزلتی-مذهبی و.....). [۲]

حاشیه نشینی با جرم نسبت مستقیم و نزذیک دارد.تنوع ،تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهر های بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب می شود تا مهاجران غیر متخصص که در آمدشان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت بر آوردن نیاز های خود دست به هر کاری، ولو غیر قانونی بزنند.در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزشهای انسانی، کجروی های اجتماعی سریعا رشد می کند و اعمالی چون دزدی ،اعتیاد ،قاچاق،فحشا و نظایر آن گسترش بسیار می یابد.[۱۲]

۲-مفهوم امنیت

امن، امان و امنیت، مقابل خوف و اضطراب است و به معنی ترس و هراس نداشتن و احساس آرامش نمودن آمده است.چنین تعریفی از امنیت ،در بسیاری از کتب لغت آمده است که در اینجا به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

۱- بی ترس، اطمینان، آسایش و آسودگی؛

۲-امن در اصل به معنی سکونت روح و از بین رفتن ترس است؛

۳-ریشه اصلی در امان و امنیت،آرامش و نبودن ترس و دلهره و اضطراب است. [۲۱]

هابز، شرایط طبیعی را شرایط نا امنی و شرایط اجتماعی را شرایط امنیت بر می شمارد. جان لاک با رویکردی فراگیرتر می گوید: مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده بمانیم بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ما ست. منتسکیو عقیده دارد: چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگترین اصول در حکومت ،ایجاد امنیت و مقصود ا ز امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تامین آزادی است. ..... امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که رفتار غیر قانونی یک فرد،یک سازمان یا دولت ممکن است در تمامی یا در بخشی از جامعه پدید آورد[۱۷]

احساس امنیت نیز از قرار گیری انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی ادراک روانی حاصل می شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص،با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز می شود. براین اساس شکل گیری احساس امنیت از لحاظ روان شناختی،وابسته به شرایط محیط شهری، کنش ها و حوادث آن از یک سو و از سویی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی در آن ساختار فرهنگی است و همین دو اصل آن را از شهری به شهری و از ملیتی تا ملیت دیگر،متفاوت می کند.[۳] از نظر بسیاری از دانشمندان ، احساس امنیت از خود امنیت مهمتر بوده و تحقق آن در جوامع از مولفه های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبعیت می کند.

امنیت از دو دیدگاه سنتی و مدرن نیز مورد بررسی قرار می گیرد. در دیدگاه سنتی که بیشتر مربوط به امنیت در جوامع سنتی می شود، امنیت مقوله ای محدود ،مخدوش،طبقه ای،جسمی، ابزارمند و نا پایدار است اما در دیدگاه نوین امنیت مقوله ای وسیع، معین، غیرانحصاری، عقلانی، هدفمند و ناپایدار است و هویت، احساسات و عواطف فردی و گروهی، عقاید، تمایلات وآرزوها، موقعیت های شغلی و اقتصادی، باورهای فرهنگی و ساختار های رسمی و حتی وسایل نیل به رفاه و آسایش زندگی اجتماعی مردم و از همه مهمتر مقوله تربیت و نهادهای تربیتی را نیز در بر می گیرد. [۱۸]

جدول مقایسه دو دیدگاه سنتی و مدرن[۱۸]

دیدگاه سنتی	دیدگاه مدرن
مبادی تامین امنیت ،خانه است	مبادی تامین امنیت،جامعه است
ابزار تامین امنیت،خاص،جزیی و محدود است	ابزار تامین امنیت،عام ،کلی و نا محدود است
نظارت بر امنیت،غیر رسمی و در دست ریش سفیدان و بزرگان قوم و قبیله	نظارت بر امنیت رسمی و در ید دولتمردان و نظام رسمی
امنیت نامستمر قوی	امنیت پایدار مستمر و ضعیف
امنیت غیر قابل پیش بینی وکنترل	امنیت قابل پیش بینی و کنترل
امنیت مبتنی بر هویت های فردی و قومی	امنیت مبتنی بر هویت جمعی و ملی
امنیت غیر یکسان،متنوع،متدرج	امنیت یکسان غیر متنوع ،نا متدرج
امنیت قشری و طبقه ای	امنیت جمعی و یکپارچه
امنیت وابسته به زور و قدرت قهری	امنیت وابسته به فکر و منطق جمعی
امنیت وابسته به نهاد وسیاست	امنیت وابسته به نهادهای آموزشی
امنیت با اهمیت در بعد جسمانی و مادی	امنیت با اهمیت در بعد فکری و عقیدتی
امنیت مبتنی بر سنت و عرف	امنیت مبتنی بر قوانین و مقرارات
امنیت مبتنی بر احساسات و ذهنیات	امنیت مبتنی بر تعقل و عینیات

۳-اقسام امنیت

امنیت را می توان به انواع ذیل تقسیم نمود:

الف)اقسام امنیت از جهت درونی و بیرونی:

امنیت از این جهت به دو قسم امنیت ذهنی و امنیت عینی تقسیم می شود.

۱-امنیت ذهنی:عبارت است از احساس آرامش،طمانینه و سکونت قلب و حالت فراغت از هر گونه ترس و هراس و اضطراب؛

۲-امنیت عینی:عبارت است از وضعیتی که ارزش های حیاتی در آن از هرگونه تهدید و تعرض مصون هستند و هیچ گونه خطری آنها را از داخل و خارج تهدید نمی کند؛

ب)امنیت از جهت قلمرو جغرافیایی:

امنیت از جهت قلمرو جغرافیایی به سه قسم قابل تقسیم است:امنیت ملی،امنیت منطقه ای و امنیت جهانی.

۱-امنیت ملی:عبارت از مصونیت ارزش های حیاتی کشور از هر گونه تهدید و تعرض و .....؛

۲-امنیت منطقه ای:به معنی فعالیت دو یا چند کشور مشترک المنافع برای تضمین مصونیت ارزش ها ؛

۳-امنیت جهانی:ناظر به احساس آرامش و فقدان ترس و تعرض در گستره جهانی است.

ج)امنیت از جهت عناصر ذی نفع:

امنیت در خصوص کسانی که از آن متنفع می شوند،بر دو قسم است:امنیت فردی و امنیت عمومی.

د)امنیت از جهت موضوع:

امنیت به لحاظ موضوع،عبارت از اموری است که مورد تهدید یا تامین قرار می گیرد و از این نظر به هشت قسم به شرح زیر قابل تقسیم هستند:

۱-امنیت جانی ؛۲-امنیت مالی؛۳-امنیت شغلی؛۴-امنیت سیاسی؛۵-امنیت قضایی؛۶-امنیت فرهنگی؛۷-امنیت محیط اجتماعی؛۸-امنیت مرزها [۱]

نمودار شماره ۱: اقسام امنیت اجتماعی

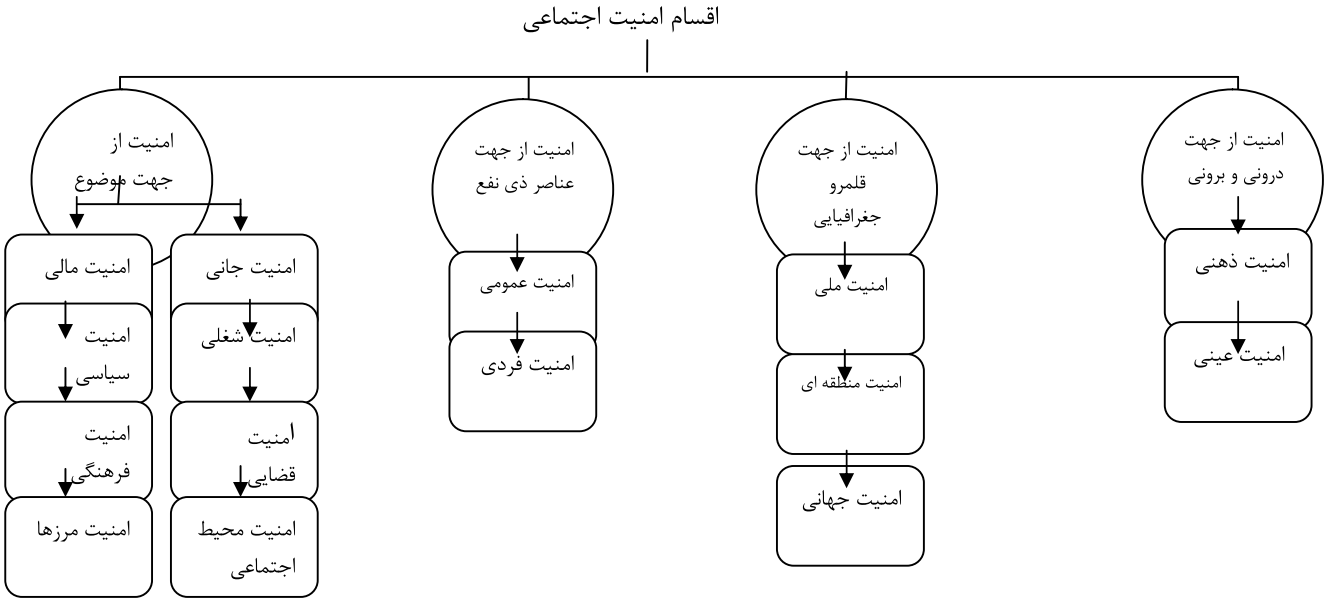

۴- مفهوم حاشیه نشینی

شهرها به دلیل وجود فرصت های اشتغال ،مهاجران روستاها و سایر سکونت گاه های کوچک تر از خود را جذب می کنند. همین فراوانی تقاضا برای شهرنشین شدن از سوی نورسیدگان ظرفیت پذیرش اقتصادی – اجتماعی شهرها را لبریز می کند و باعث ایجاد نوعی جدید از نابرابری در داخل فضای شهری می گردد.جدایی اصلی در واقع بین جمعیت پذیرفته نشده در نظام شهری (مشاغل موقتی و حاشیه ای) از سویی و جمعیت ادغام شده به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر است. این جدایی در فضاهای به اصطلاح شهری شده انعکاس ویژه و دیدنی دارد. فضاهایی که حاصل اشغال اراضی غیر آماده به وسیله مهاجران پذیرفته نشده است. این مهاجران قادر به پرداخت اجاره بها نیستند و اغلب در شرایط اسفناکی زندگی می کنند. بدین ترتیب در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه به سبب کمبود یا فقدان زمین های کافی به منظور خانه سازی برای طبقات فقیر و کم درآمد شهری ، بیشتر آنها به دامنه های پر شیب دره ها و دشت های سیلابی یا به زمین های مجاور صنایع آلوده ساز و خطر آفرین پناه می برند تا با مواد و مصالح ساختمانی کم دوام ، خانه های محقر خود را بنا کنند. از این رو شهرهای جهان سوم همواره به دوگانگی کشیده می شوند : یکی شهر قانونی که زمین واحد های مسکونی آن بر مبنای قوانین و مقررات جاری تهیه شده است و دیگری شهر غیر قانونی که زمین و واحد های مسکونی آن به صورت تصرف عدوانی و غیر قانونی اشغال گردیده است و بیشتر منطقه حاشیه نشین و آلونک نشین شهرها را شامل می شود. [۲۲] حاشیه نشینان شهری در ایران پس از سپری شدن دوره کامیابی در پیشروی آرام به سوی شهر ،که تا اواخر دهه شصت ادامه داشت، به مرحله جدیدی از حیات اجتماعی خود گام نهاده اند که می توان آن را دوره گذار به شهر نشینی و ایجاد توقع دستیابی به امکانات و ضروریات مادی زندگی شهری دانست. عبور حاشیه نشینان از دوره استقرار و ایجاد ثبات سکونتی،همراه با رشد اجتماعی و تغییر ترکیب مهاجران به حاشیه،که در

گذشته تنها مهاجران روستایی را در بر میگرفت و امروزه گرو ه های کم در آمد با سابقه شهر نشینی ، به آنها پیوسته اد ،از جمله عوامل موثر بر تغییر رفتار و توقعات حاشیه نشینان به شمار می آید.[۷]

افزایش نابرابری های اجتماعی که نتیجه شهرنشینی بی ضابطه و در حال رشد در جهان می باشد به افزایش پدیده حاشیه نشینی انجامیده است. به گفته نماینده دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد سرعت زاغه نشینی در جهان بیشتر از بهبود مناطق شهری است. در حال حاضر یک میلیارد نفر زاغه نشین در جهان وجود دارد که تبعات حضور این تعداد عدم دسترسی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر به امکانات بهداشتی، محرومیت ۱۲۱ میلیون کودک شامل ۶۵ میلیون دختر و ۵۶ میلیون پسر از تحصیل، بی سوادی ۵۷۵ میلیون زن در جهان، عدم دسترسی ۵۰ درصد زنان کشورهای در حال توسعه به مامای تخصصی و پزشک، دسترسی تنها ۱۴ درصد زنان به کرسی های پارلمانی و وجود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه است. [۶]

حاشیه نشینی ارتباط مستقیمی با جرم و جنایت دارد،چرا که عملا در هر جامعه ای، جمعیت چنین مناطقی از لحاظ ارتکاب جرم نسبت به سایر نواحی در صد بالایی قرار دارد و این نیز ناشی از عوامل متعددی می باشد که یکی از این عوامل مهم فقر می باشد که به صورت فقر منطقه ای ظاهر می شود که این فرهنگ نیز ناشی از کمی یا عدم وجود فرصت های زندگی می باشد که افراد از روی عقده ای که ناشی از این فقر شده سعی در جهت جبران بر می آیند و عقده های درونی خود را از طریق ارتکاب جرایم متعدد در جهت تسکین بر می آیند.[۵]

پروفسور ویرتون می نویسد:اطفال و نوجوانان ،تابع جبری محیط اجتماعی خود هستند،زیرا در محیط اجتناب ناپذیر (خانواده) و یا محیط اتفاقی،خط سیر رفتار جوانان بوسیله افراد بالغ کاملا تعیین می شود،واین دو محیط در تربیت و عمل آنها تاثیر عمیق می گذارد و با نفوذ و حاکمیتی بسیار قوی حتی ارزشهای فکری آنها را معین می کند.....پارک،شاو- و -مک کی محققان آمریکایی ثابت کرده اند که در مناطق کثیف،همراه با از بین رفتن کنترل های اجتماعی که بوسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می کنند،اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می کنند.تراشه چنین می نویسد:حالا که یک تعریف کلا سیک از زندگی گروهی در دست داریم،می توان گفت که تخلف و جنایت نتیجه طبیعی این نوع محیط است.[۲۰]

۵-مولفه های مشترک سکونت گاه های غیر رسمی و امنیت اجتماعی

به طور کلی مولفه های مشترک بین نامنی اجتماعی و سکونت گاه های غیر رسمی را می توان چنین بر شمرد:

۱-بافت ریز دانه سکونت گاه های غیر رسمی۲-عدم احساس تعلق به محیط ۳-عدم مهارت و شغل ثابت ۴-فقیر بودن ساکنین ۵-محرومیت های اجتماعی. - برچسب خلافکاری.۷-نداشتن یا کم بودن سواد ساکنین۸-عدم رضایت از وضع موجود

هر کدام از این موارد به تنهایی می تواند امنیت یک جامعه را به خطر اندازد در حالیکه مجموع آن در سکونت گاه های غیر رسمی موجود است.

۶- مشخصه های سکونت گاه های غیر رسمی

شبکه معابر نا نامناسب ،دفع فاضلاب های خانگی به نحوی غیر بهداشتی و تجمع آب های سطحی در معابر،و پراکنده شدن زباله ها در گوشه و کنار این گونه محله های فقیر نشین،نمادهای متداول از در هم ریختگی و نا بسامانی کالبدی به شمار می آیند. بر آیند این وضعیت همراه با گسترش کالبدی این سکونت گاه ها به ارضی

مجاور،می تواند مخاطرات زیست محیطی بیشماری را برای اراضی پیرامون و خود این سکنت گاه ها به بار آورد و بر شالوده نا پایداری آنها بیش از پیش بیفزاید.از سوی دیگر فقدان یا کمبود جدی خدمات آموزشی،بهداشتی و فرهنگی ناشی از فقر اقتصادی،زمینه تشدید بد نام شدن و انزوای اجتماعی آنان را بیش از پیش فراهم می آورد و از این مرحله به بعد،ساکنان این محله ها از دید گاه سیاست و مدیریت های سنتی شهری موضوع آسیب شناسی اجتماعی،کانون انواع بزهکاری ها ،تهدید امنیت اجتماعی تلقی می شوند.[۹]از مشخصه های اصلی این سکونت گاه ها می توان موارد ذیل را نام برد:

الف-ساخت و ساز و آنها به صورت خودرو یا بدون رعایت قواعد و اصول مصوب شهری با پروانه ساختمان انجام گرفته باشد؛

ب- در اکثریت واحد های مسکونی آنها اصول فنی ساختمان رعایت نشده باشد،هر چند از مصالح ساختمانی متعارف ساخته شده باشد؛

ج- هر چند واحد های مسک.نی از برخی خدمات چون آب یا برق یا مدرسه بر خوردار باشند اما کل خدمات زیر بنایی و اجتماعی نظام یافته و در حد معمولی کمبود یا نبود خدمات و بسیار پایین تر نباشد؛

د- از لحاظ کاربری زمین کمبودهای چشمگیر،بازدارنده و نا کار آمد برای فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی،فضای سبز ،معابر و غیره وجود داشته باشد؛

ه-اکثریت ساکنان آنها را گروه های کم درآمد تشکیل می دهند؛

و-از نظر شکل با باقی شهر سنخیت نداشته و از نظر محتوی نظارت اجتماعی کم و نا هنجاری شهری دیده می شود.

نا رسایی های فوق و استفاده غیر کارآمد از زمین و آشفتگی کالبدی و نا زیبایی،کیفیت پایین محیط زیست و عدم وجود امنیت کافی و تجمیع مهاجرین از مبدا مشترک یا قومیت مشابه ،از ویژگی های آشکار اینگونه سکونت گاه هاست که در بسیاری موارد،به سبب ضعف نا هنجاری های اجتماعی و نبود نظارت های قانونی،کانون آسیب های اجتماعی می باشند.[۱۹]

۷-تامین حق اقامت و امنیت سکونت

جهت تامین حق اقامت و و امنیت سکونت برای ساکنان اسکان غیر رسمی به سه گونه سیاست می توان اشاره نمود:

سیاست نخست به نعبیری برنامه حداکثری بوده ،که به رسمیت شناختن حق اقامت را با حل حق مالکیت دنبال می نماید.چنین پنداشته میشود در صورت قانونی شدن حق سکونت،ساکنان تمامی منابع خود را به میان آورده و نیز می توانند از تسهیلات اعتباری رسمی استفاده نموئه و با حداقل اتکا به منابع عمومی،اسکان خود را بهسازی کنند.در برابر این سیاست انتقاد شده است که به رسمیت شناخت،بیش از آنکه منابع جدید این اجتماعات را به میان آورد،انتظارات آنها را برای در یافت منابع عمومی عمومی افزایش می دهد و حتی دلیلی برای صرف منابع خود برای اداره امور خودشان- مانند دوره غیر رسمی بودن-نمی بینند.نیز گفته شده که به رسمیت شناختن،سودی برای کم درآمدترین اقشار این اجتماعات که اغلب اجاره نشین هستند،نخواهد داشت.اساسا چنانچه منبع درآمد مستمر خانوارها تامین نشده باشد،مسکن گران شده در اثر رسمی شدن،فروخته خواهد شدو خانوار فقیر به اسکان غیر رسمی ارزان دیگری رو می آورد و سود به دست آمده را صرف گذران معیشت خواهد کرد.

سیاست دوم در پی تامین زیر ساخت ها و خدمات اجتماعی در ین سکونت گاه ها از منابع عمومی و با مشارکت ساکنان آنها است که در واقع ارتقا شرایط محیطی و بهسازی را محور قرار می دهد.چنین استدلال می شود که برای احساس امنیت سکونت،بیش از آنکه لزومی به احراز مالکیت و به رسمیت شناختن باشد،خدمات رسانی بخش دولتی و به مشارکت گرفتن اهالی در تصمیم گیری های عمومی و عدم تهدید آنها به تخریب و تخلیه،در عمل امنیت خاطر را بوجود می آورد.در برابر این سیاست انتقاد شده است که مشابه سیاست نخست ،راه حلی برای منابع در آمدی خانوار در نظر گرفته نشده و بدون عرضه زمین ارزان قیمت کافی به موازات این بهسازی ها،می توان شاهد فروش مساکن گران شده و جابجایی ساکنان فقیر به اسکان غیر رسمی دیگر بود.

سیاست سوم در مواردی که تصرف عدوانی صورت گرفته و معارضین قانونی وجود دارد و یا وضع اسکان غیر رسمی آن چنان نابهنجار و زیر استاندار است که بهسازی ممکن نیست،اتخاذ میشود و در جهت نوسازی و توسعه مجدد عمل می کند.در مورد تصرف عدوانی تجارب موفقی وجود دارد که با شراکت در زمین،زمین های گراقیمت_مانند کنار خیابان یا در موقعیت مناسب_را برای مالکین اصلی تخلیه نموده و زمین های دیگر_به نسبتی که توافق می شود_برای متصرفین باقی می ماند و سازو کار های مالی برای جبران تدریجی خسات ها پیش بینی می گردد.[۱۴]

۸-نقش مدیریت شهردر سکونت گاه های غیر رسمی

مدیریت شهری در هر کشور با توجه به ساختار حکومتی آن متفاوت است .در کشور های غربی که اکثرا دارای مدیریت یکپارچه شهری می با شند،شهردار را می توان مدیر شهر نامید . اما در کشور ما با توجه به تعدد مراکز تصمیم گیری این واژه تعریفی مجزا را می طلبد.

نهادهای مختلفی که در امر مدیریت شهری در ایران فعالند را می توان در سه سطح طبقه بندی نمود:

سطح کلان مدیریت شهری: وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، شورای عالی شهر سازی و معماری، سازمان شهرداری ها

سطح منطقه ای مدیریت شهری: استانداری، شورای تامین استان، کمیسیون ماده پنج قانون تاسیس شورای عالی شهر سازی و معماری ایران، شورای اداری برنامه ریزی وشهرسازی استان؛

سطح محلی: شورای شهر، شهرداری، فرمانداری، شورای تامین شهرستان؛

علاوه بر نهادهای فوق، سازمان ها و تشکیلات غیر رسمی نیز بر مدیریت شهری اثر گذار می باشند. این عناصر که عمدتا در سطح محلی می باشند عبارتند از : نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه و جماعات، افراد و گروه های فشار سیاسی اجتماعی و اقتصادی، مجامع متخصصین، سازمان های غیر دولتی، موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها، ارگان های نظامی و غیره [۱۰]

وجود سازمان های خدمات دولتی که از نظر مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی برتر از شهرداری اند، شرایطی را فراهم آورده است که شهرداری به جای آنکه مدیر شهر باشد و بتواند نظم و سامان را برای اداره امور شهر فراهم کند، خود همچنان دستگاه خدماتی متوسطی تلقی گردد. مشخص نبودن جایگاه شورای اسلامی شهر و شهرداری در سلسله مراتب قدرت سبب شده است تا سازمانهای متنفذ و قدرتمند در سطح شهر، لزومی به تبعیت و هماهنگی با شهرداری حس نکنند. به این ترتیب مواجهه شهرداری با مسئله اسکان غیر رسمی و یا سکونت گاه های غیررسمی از نظر ترکیب اجتماعی جمعیت، اجتماعاتی متشکل از اقشار فقیر و کم در آمد و بدون تنوع اجتماعی هستند و ترکیب نا متعادل آنها در طول زمان تغییر چشمگیری نمی کند.[۸] اگر شهر

،همچون سازمانی در نظر گرفته شود، لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد.این عنصر را می توان مدیریت شهر نامید .مسایل بسیاری د ر شهر ها وجود دارند که برای حل آنها وجود مدیریت شهری الزامی قلمداد می شود.مسایلی مانند چگونگی گسترش آینده شهر، تامین خدمات عمومی (آب،برق،نظافت و...)،احداث مراکز عمومی با کارکرد های تفریحی-فرهمگی و ورزشی، ساختن خیابانها، کوچه ها و.....آنچه وظیفه هر مدیری به شمار می آید، وظیفه مدیریت شهری نیز هست .مدیریت شهری باید برای شهر برنامه ریزی هایی انجام دهد، فعالیتهای شهری را سازمان دهد، بر فعالیتهای انجام شده نظارت کند و حتی برای انجام امور،انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان ها و شهروندان ایجاد نماید.[۱۱]

اهم ارگان ها و سازمانهایی که بنا به ماموریت های سازمانی و یا ضرور تهای موردی به روشهای مختلف در بافتهای حاشیه ای دخالت دارند.[۱۵]

اقدام کننده	دلایل اقدام	نحوه اقدام	پیامدها
شهرداریها	-نگرانی از اقدامات گروهی ساکنین -گرفتن عوارض	-تهیه طرحهای کالبدی -صدور پروانه -اصلاح معابر -جمع آوری زباله ها	ایجاد انگیزه جهت توسعه اینگونه بافتها-ایجاد تعهدات دولتی و تشدید مطالبات مردم از دولت-تشویق جهت ایجاد بافت های حاشیه نشینی جدید
سازمانهای خدماتی(آب،برق و...)	-نگرانی از اقدامات گروهی ساکنین -گرفتن عوارض	-توسعه خدمات شهری -صدور مجوز جهت بهره برداری رسمی	ایجاد انگیزه جهت توسعه اینگونه بافتها-ایجاد تعهدات دولتی و تشدید مطالبات مردم از دولت-تشویق جهت ایجاد بافت های حاشیه نشینی جدید
نیروهای امنیتی و انتظامی	-امنیتی و مفاسد اجتماعی	-دستگیری -پراکنده کردن افراد -تخریب مراکز فساد	تجمع در مناطق دیگر در گیری و ایجاد مقاومت
سازمان بهزیستی	-مفاسد اجتماعی و مدد کاری	-جمع آوری -پراکنده کردن افراد	تجمع در مناطق دیگر در گیری و ایجاد مقاومت
وزارت بهداشت ود رمان و آموزش پزشکی	-ارتقا سطح سلامت جامعه	-اقدامات بهداشتی -تعریف پروژه های مربوط به شهر سالم	پی آمدهای مربوط به پروژه های شهر سالم با توجه به جدید بودن آنها نیاز به زمان بیشتری دارد
وزارت آموزش و پرورش	-سواد آموزی	-ساخت مدرسه	جلوگیری از توسعه بیسوادی

۹-پیامدهای حاشیه نشینی:

۱-توانمندسازی وساماندهی اسکان غیر رسمی به ترغیب وتشویق پایگیری این نوع اسکان وگسترش آن درآینده میانجامد.

۲-افزایش قیمت زمین وواحدهای مسکونی ناشی از ساماندهی اسکان غیر رسمی به فروش واحدها وانتقال ساکنین آنها به اسکان غیر رسمی دیگری منجرخواهدشد.

۳-در شرایط حضور نابهنجاریها و آسیبهای اجتماعی ساماندهی اسکان غیر رسمی به تامین فضای امن برای تداوم این نابهنجاریها کمک میکند.

۴- ساماندهی این سکونتگاهها بخش دولتی را ازتوجه به معضل گسترده تر تامین مسکن برای گروههای کم درآمدبازمیدارد

۵-حل معضلات اسکان غیر رسمی وارتقای محیطی آنه بررفتارهای غیرمدنی ساکنان آنهامهرتاییدمیگذارد

۶- نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری کشور فاقد ظرفیت وکارگزاران مناسب برای ایجاد تحول درشیوه های گذشته و در نتیجه توانمندسازی وساماندهی اسکان غیررسمی به شیوه ای نوین است.[۱۳]

۱۰-نتیجه گیری

تشکیل سکونت گاه های غیر رسمی حاصل فقر اقتصادی و عدم توجه به اقتصاد روستایی می باشد. ساکنین فقیر روستاها، به دنبال کسب حداقل معیشت راه شهرها را در پیش گرفته و جهت پرداخت حداقل هزینه مسکن جذب سکونت گاه های غیر رسمی می گردند . این افراد در پی نا کامی در پیدا نمودن شغل مناسب به سبب عدم مهارت و کمبود در زمینه تحصیلات جذب مشاغل کاذب و موقتی می شوند .این مکا نها محل مناسبی برای انواع فعالیت های مجرمانه می باشد .ساکنین این محلات نه تنها خود در معرض انواع آسیب های اجتماعی و نا امنی می باشند بلکه امنیت جامعه پیرامون خود را نیز به خطر می اندازند .با توجه به افزایش این پدیده خصوصا در سالیان اخیر ، روشن است که سیاست های اعمال شده در بخش مسکن ، بعد از انقلاب اسلامی موثر نبوده و نه تنها در کنترل آن موفق نبوده بلکه به افزایش آن نیز دامن زده است.افزایش آمار معتادان سرقت، فحشا، خرید و فروش اطفال و دختران و بسیاری از نا امنی های موجود در ارتباط مستقیم با حاشیه نشینی بوده که عدم توجه جدی به این قضیه،باعث افزایش نا امنی در سطح جامعه خواهیم بود .عدم ارائه آمارهای واقعی در خصوص آسیب های اجتماعی و دور نگهداشتن محققان از دسترسی به این آمارها صرفا پاک کردن صورت مسئله بوده و قطعا کمکی در بهبود وضعیت امنیت اجتماعی نخواهد داشت.

۱۱-پیشنهادات:

۱-رویکرد توانمند سازی سکونت گاه های غیر رسمی در اولویت قرار داده شود؛
۲-توجه لازم به اقتصاد کشاورزی و ایجاد صنایع وابسته در روستاها؛
۳-تاسیس مراکز آموزش های مهارتی در کنار این سکونت گاه ها ؛
۴-تدوین سیاستهای مناسب فقر زدایی و تغییر رویکرد از فقر در آمدی به فقر قابلیتی.

منابع

۱- ایزدی.حسین، امنیت اجتماعی و کنترل اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی،۱۳۸۴،جلد ۳،انتشارات آشنایی، چاپ اول
۲-افروغ،عماد،فضا و نابرابری اجتماعی،انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،۱۳۷۷
۳- بمانیان،محمد رضا،محمود نژاد،هادی،تحقیقی در سنجش عوامل تاثیر گذار بر احساس امنیت شهری،فصلنامه مدیریت شهری،شماره ۱۹،انتشارات سازمان شهرداریها،بهار ۱۳۸۷
۴-پیران،پرویز،باز هم در باب اسکان غیر رسمی،فصلنامه هفت شهر،شماره ۹و۱۰،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۵- حاتمی.نادر،حاشیه نشینی و معضل بزهکاری،ماهنامه اصلاح و تربیت،۱۳۸۷،سال هفتم،شماره ۷۲
۶- حاشیه های ویرانگر،روزنامه همشهری،۱۳۸۵،شماره۴۱۷۳،ص ۱۶
۷-خاتم،اعظم،سهم مردم-سهم دولت در طرح های توانمند سازی و بهسازی محله، فصلنامه هفت شهر،شماره ۹و۱۰،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۸-خاتم،اعظم،اطهاری،کمال،مدیریت یکپارچه وحل مسئله اسکان غیر رسمی،انتشارات شهیدی،چاپ اول،۱۳۸۶
۹-جواهری پور،مهرداد،داور پناه،بابک،سکونت های نا پایدار اقشار کم در آمد شهری،فصلنامه هفت شهر،شماره ۸،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۱۰-زنگنه،سعید،حسینی،سید محمد،ارزیابی عملکرد نهاد های مدیریت شهری بعد از انقلاب اسلامی در توسعه کالبدی شهر،مجله شهرداری ها،شماره ۹۲،انتشارات سازمان شهرداری ها،۱۳۸۷
۱۱-سعید نیا،احمد،مدیریت شهری،اتشارات سازمان شهرداری ها،جلد یازدهم،چاپ اول،۱۳۷۹
۱۲-ستوده،هدایت الله،آسیب شناسی اجتماعی،اتشارات آوای نور،چاپ چهاردهم،۱۳۸۴
۱۳-صرافی،مظفر،اسکان غیر رسمی در ایران-دغدغه ها و سیاستگذاری ها،میز گرد،، فصلنامه هفت شهر،شماره ۹و۱۰،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۱۴-صرافی،مظفر،به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت شهر،شماره ۹و۱۰،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۱۵-عسگری طباطبایی،اسدالله،بررسی اجمالی از پدیده بافتهای پیرامونی و یا حاشیه نشینی در ایران،فصلنامه هفت شهر،شماره ۸،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۱۶-فرجاد،محمد حسین،آسیب شناسی کجروی ها ی اجتماعی،مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه،چاپ اول،۱۳۸۳
۱۷- کارگر.بهمن،امنیت شهری،انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح،چاپ دوم،۱۳۸۵
۱۸- کاشانی.مجید،نقش نهادهای آموزشی در برقراری،نظارت و حفظ امنیت ملی،مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی،۱۳۸۴،انتشارات آشنایی،چاپ اول
۱۹-کارگاه تخصصی توانمند سازی اسکان غیر رسمی،بندر عباس،جمعبندی کمیته تخصصی اسکان، فصلنامه هفت شهر،شماره ۸،انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۸۱
۲۰- مساواتی آذر.مجید،آسیب اجتماعی ایران،انتشارات فروزش،جلد دوم،۱۳۸۳
۲۱- واثقی.قاسم،تدابیر و سیره عملی علی (ع)در تامین امنیت اجتماعی،مرکز تحقیقات و پژوهش های ناجا،۱۳۸۰
۲۲- هادیزاده بزاز.مریم،حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان،شهرداری مشهد،چاپ اول،۱۳۸۲

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.